

# ... از جمله اخبارات به ظهور مبارک در کتاب دانیال در اصحاح...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۶۶

... از جمله اخبارات به ظهور مبارک در کتاب دانیال در اصحاح ثانی عشر در آیه یازدهم، و من وقت ازالة المحرقة الدائمة واقامة رجب المحرب الف و مئتان و تسعون يوماً طوبى لمن ينتظر و يبلغ الى الالف و الثلاث مئة و الخمسة و الثلاثين يوماً. اما انت فاذهب الى النهاية فتستريح و تقوم لقرعتك فى نهاية الايام. محرقة محل آتشی بود در قدس به موجب شریعت تورات قربان را بر او می سوزانیدند. میفرماید از ازالة آن محرقة یعنی نسخ شریعت تا هزار و دوست و نود روز وعده داده و به این حساب بعثت حضرت رسول است که ده سال با هجرت تفاوت دارد و این حساب در سنه هزار و دوست و هشتاد واقع میشود که سنه ثمانین است و ورود جمال قدم به ارض سر و اعلان امر مبارک واضحاً مشهوداً. و در اخبار از حضرت رسول در کتاب مکاشفات یوحنا در باب دوازدهم در آیه اول میفرماید، و ظهرت آية عظيمة فى السماء امرأة متسرلة بالشمس والقمر تحت رجلها و على رأسها اكليل من اثني عشر كوكباً. این امرأة در اصطلاح یوحنا به معنی شریعت الله است و در بعضی مواقع شریعت الله را به مدینه مقدسه اورشليم تعبیر مینماید، میفرماید متسرلة بالشمس، آفتاب علامت دولت ایران است و قمر علامت دولت عثمانیان، یعنی آن شریعت الهی که دو دولت شمس و قمر در ظل او هستند، بعد میفرماید، و على رأسها اكليل من اثني عشر كوكباً. تاجی از دوازده ستاره که ائمه اطهارند و در آیه ششم میفرماید، و المرأة هربت الى البرية، یعنی شریعت الله به بادية عرب رفت، حیث لها موضع معدن من الله، محلی خدا از برای او مهیا کرده است در آنجا، لکی یعولوها تا آن که خدا از او نگهداری کند و در آنجا باقی الف و مائتین و ستین يوماً، در هزار و دوست و شصت روز و هر روز عبارت از یک سنه است و از عبارت رأیت سماءً جديدة و ارضاً جديدة لان



ORIGINAL



AUDIO

السَّماء الأولى و الأرض الأولى مضتا و البحر لا يوجد في ما بعد و انا يوحنا رأيت المدينة المقدسة اورشليم الجديدة نازلة من السَّماء من عند الله مهيأة كعروس مزينة لرجلها، كه مقصود از اورشليم الجديدة و الامراة المتسريلة شريعت الله جديدة است واضح گردد و اخبار ظهور جمال مبارك را در آخر اصحاب مذکور يعنى بيست و يكم از مكاشفات يوحنا ملاحظه نما، ثم رأيت سماءً جديدة و ارضاً جديدة لانّ السَّماء الأولى و الأرض الأولى مضتا و البحر لا يوجد في ما بعد و انا يوحنا رأيت المدينة المقدسة اورشليم الجديدة نازلة من السَّماء من عند الله مهيأة كعروس و سمعت صوتاً عظيماً من السَّماء قائلاً هو ذا مسكن الله مع الناس و هو سيسكن معهم وهم يكونون له شعباً و الله نفسه يكون معهم الها لهم.

و در اخبار از حضرت رسول در اصحاب تاسع عشر از مكاشفات يوحنا ميفرمايد، ثم رأيت السَّماء مفتوحة و اذاً فرس ابيض و الجالس عليه يدعى اميناً و صادقاً (الصادق الأمين اسم و لقب آن حضرت است) و بالعدل يحكم و يحارب و هو متسريل بثوب مغموس بالدم و يدعى اسمه كلمة الله و الأجناد الذين في السَّماء كانوا يتبعونه على خيل بيض لا بسين بزاً ابيض نقياً فمن فه يخرج سيف ماض لكي يضرب به الأمم و هو سيرعاهم بعضا من حديد و هو يدوس معصرة خمر سخط و غضب الله القادر على كلّ شيء و له على ثوبه و على نغذه اسم مكتوب ملك الملوك و ربّ الارباب.

در كتاب ايوب فصل بيست و نهم آية بيست و پنجم و بيست و ششم و بيست و هفتم كه آن شخص استدلال به تناسخ کرده است چقدر منافی حقيقت است و واضح است چرا ميفرمايد من ميدانم كه وليّ من زنده است و در ايام آخر بر زمين خواهد بر خاست. اين عبارت از بعث روحاني است زيرا ميفرمايد بعد از آنگاه اين پوست من تلف شود بدون جسد من خدا را خواهم ديد، ميفرمايد بدون جسد خواهم ديد اين مشاهده روحاني است و اين بيان را جمال مبارك در رساله ايقان فرموده اند كه مراد عود و رجوع صفات است و تشبيه ميفرمايند كه اين گلي كه در اين بهار شكفته چون نظر به لطافت و رائحه و لون كنى بعينه گل پارسال را ماند چنانچه گفته ميشود بهار آمد و باز گل آمد نه مقصود حقيقت مرگبه آن است.

و اما قضيه شاخه نابت از يسه در فصل يازدهم آية اول از كتاب اشعيا ميفرمايد از دوحه يسه بيرون آمده شاخه اى از ريشه هائيش خواهد شكفت. حضرت مسيح از طرف مادر از دوحه يسه پسر يعقوب نبودند بلكه مريم از سلاله هارون بود و هارون از نسل لاوى و ميفرمايد روح خداوند بر آن غصن قرار خواهد گرفت، يعنى روح حكمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند تفسير کرده و ميفرمايد او به دیده خود حكم و داوری خواهد نمود نه به مسموعات و به جهت مظلومان زمين به راستی حكم خواهد کرد و جهان را به عصای خود زده اشرار را به نفخه لبهای خود خواهد كشت. يعنى به بيان حكم خواهد نمود امانت و عدالت از خصائص اوست و در ايام او وحوش و طيور و درنده جميع باهم مانوس خواهند شد يعنى اقوام مختلفه متنوعه متجاذله متعارضه متباغضه با هم معاشرت و سلوك

خواهند نمود. یسه به معنی اجر و مزد است و دوحه ربانیه به جهت ربانین اجر جلیل است و فضل عظیم و از آن جمله در آخر میفرماید که قوم اسرائیل را از آشور و مصر و قتروس و حبش و عیلام و شنعار و حماة و از جزیره های دریا در ارض مقدس جمع خواهد نمود، یعنی آوارگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکنده اولاد یعقوب را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد و این وقوعات بعد از حضرت مسیح نشده است ولی در این ایام آوارگان اسرائیل در اجتماعند.

و اما آیه چهاردهم از فصل ثالث یوئیل تا آیه هفدهم اخبار به ظهور جمال مبارک است و تفسیر آفتاب و ماه تاریک میشوند و ستاره ها از نور باز میمانند و زمین متزلزل میشود معانی این آیات در کتاب ایقان موجود ملاحظه کنید میفرماید پس خواهید دانست که من یهوه خدای شما در کوه مقدس خویش صهیون ساکن میباشم.

و اما بشارات ظهور نقطه اولی و بشارات اشراق شمس ابری در کتب مقدسه جناب آقا میرزا ابوالفضل جمع کرده اند عبدالهآء اینقدر صدمات و بلا دارد که فرصت دقیقه ای آرام ندارد تا به تألیف کتب و رسائل پردازد. ای ثابت بر پیمان نمیدانید که چه خبر است و الله الذی لا اله الا هو که اگر جبال راسیات تحمل این مشقات را تواند.

و اما مسئله حضرت آدم و شجره مراد نه چنان است که عوام میفهمند. مقصد از شجره مقام ظهور بلوغ هیکل امر الهی است به اعلی المقامات و آن مشروط به یوم موعود و قبل از یوم موعود ظهور و بلوغ و رشد ممکن نه. حضرت آدم خواست که شریعت الله به نهایت درجه بلوغ رسد ممکن نشد زیرا بلوغ و رشد امر الله منوط و مشروط به یوم موعود مبارک بود. مثلاً طفل در سن شیرخواری ممکن نه که کجالات انسانی به تمامها در او ظاهر شود و از اطعمه لذیذه تناول نماید بلکه باید به شیر اکتفا کند تا به سن رشد رسد و کجالات عالم انسانی در او ظاهر و لائح گردد و الا نه این است که حضرت آدم عصیان نمود و خطا کرد. این عصیان عبارت از حسنات الأبرار سیئات المقربین است نه خطا و عصیانی که عوام میفهمند و حضرت اعلی نیز یک معنی نزدیک به این معنی بیان فرموده اند و مراد از حوا حقیقت نفس آدم است این بیان مختصر است مفصل ابداً فرصت ندارم و باقی جواب مسائل شما انشاء الله در پوسته آتیه.

الهی الهی اید عبدک هذا علی اعلاء کلمتک و ترویج دینک و نشر نجاتک و قو ظهره و اشدد عضده و اجعله سراجاً یتلأ بنور الانقطاع و شجرة نامیه بفیض الأطفاف و انصره علی الذین نقضوا العهد و الميثاق و اجعله منادياً باسمک فی کل الجهات انک انت الکریم الرحیم الرحمن .

از جمله اخبارات از حضرت رسول در انجیل یوحنا در فصل اول در آیه بیست و پنجم، فما بالک تعمّد ان کنت لست المسیح و لا ایلیا و لا النبی، یعنی مقصود تو چیست اگر مسیح نیستی و ایلیا نیستی و آن نبی معهود

نیستی؟ الف و لام عهد است یعنی آن پیغمبر معهود از این واضح میشود که منتظر سه شخص بودند یکی مسیح و دیگری ایلیا و دیگری نبیّ معهودی.

و در فصل سابع از یوحنا آیهٔ چهلّم، فکثیرون من اجمع لما سمعوا هذا الکلام قالوا هذا بالحقیقة هو النبیّ. آخرون قالوا هذا هو المسیح، میفرماید بعضی از حضرات یهود که وعظ آن حضرت را شنیدند به دو فرقه شدند فرقه ای گفتند فی الحقیقه این شخص آن نبیّ معهود است فرقهٔ دیگر گفتند مسیح موعود است و البهآء علیک. ع ع

